

## سازوکارهای اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله در ایجاد تحول فرهنگی در مدینه

دکتر فاطمه جان احمدی<sup>۱</sup>

علی درزی<sup>۲</sup>

### چکیده

علی رغم زمان بر بودن فرایند تحولات فرهنگی، تلاش های پی در پی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جهت ایجاد جامعه ای مبتنی بر مبانی اسلامی و ارزش های انسانی، در کم ترین زمان ممکن محقق شد. ساختار نابه سامان و رفتارها و عادات نابه هنجار حاکم بر جامعه مدینه و واپس ماندگی متأثر از فرهنگ جاهلی، مهم ترین عامل کندی آهنگ تحولات فرهنگی در مدینه بود. هدایت فراگرد اجتماعی، به تغییر مناسبات فرهنگی و جایگزینی ارزش های اسلامی به جای هنجارهای جاهلی انجامید. این پژوهش به بررسی سازوکارهای اجتماعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ایجاد تحولات فرهنگی در مدینه می پردازد. این که آن حضرت از چه برنامه و ساز و کاری برای ایجاد تحول فرهنگی بهره جستند و به چه نتایجی

تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۹/۸ تاریخ تصویب ۱۳۹۰/۳/۱۱

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء. (Janatmad2006@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی. (ali\_darzi24@yahoo.com)

دست یافت، از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهش پیش روست. وضع قوانین جدید مطابق با آموزه‌های قرآنی، برنامه‌ریزی اجتماعی سازگار با ارزش‌های اسلامی و تولید هنجارهای جدید و ترسیم نقش‌های اجتماعی مطابق با فرهنگ نوحاسته اسلامی، تأسیس نهادهای جدید با کارکردهای فرهنگی و تعریف نمادهای منزلتی، جذب اقلیت‌های دینی و تغییر روابط میان گروه‌های اجتماعی قومی و نژادی، همه از سازوکارهای اجتماعی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تحول فرهنگی است. دست آورد ده سال تلاش فرهنگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه‌گیر شدن فرهنگ اسلامی بود، هرچند استمرارش به برنامه‌ریزی مداوم فعالان سیاسی و فرهنگی پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیاز داشت.

#### واژگان کلیدی

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سازوکارهای اجتماعی، تحول فرهنگی، مدینه.

#### طرح مسأله

از مختصات جامعه جاهلی خرافه‌پرستی، شرک و بت‌پرستی، رسوم مرتبط با جوامع بسته و قوم‌پرستی و روابط درون‌گروهی ناکارآمد و خرده‌فرهنگ‌های منحرفی چون دخترکشی بود که زمینه‌های تأخر و پس‌افتادگی فرهنگی را در حجاز و فراهجاز به وجود آورده بود. بعثت و نبوت، برگزیده‌ای آشنا به معضلات فرهنگی از میان همین قوم، با سلاح و ابزاری کارآمد چون وحی الهی با سرفصل تزکیه و تعلیم<sup>۱</sup> و تغییر مناسبات اجتماعی به تحولات فرهنگی دامن زد و زمینه‌ساز انقلاب فرهنگی اسلام شد. هجرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یثرب، به تسریع روند تحول فرهنگی انجامید؛ چنان‌که ساختار بی‌هنجار قبیله‌ای و نزاع‌های بی‌اساس و جنگ‌های طولانی اوس و خزرج و رقابت‌های پیدا و پنهان با قبایل یهود، جامعه یثرب را ملتهب و آماده پذیرش هرگونه تحولی کرده بود؛ هرچند تلاش نقبا و سفیران فرهنگی پیامبر نیز بر سازه

۱. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. سوره جمعه، آیه ۲.

شهری یثرب و بافت فرهنگی آن تأثیر نهاده و یثرب را در بدو ورود پیامبر اکرم ﷺ، مہمہای تغییراتی اساسی کرده بود. تشویق شهروندان در اجرای رفتارهای مناسب، آنان را مشتاقانه به سوی جریان اجتماعی شدن سوق می‌داد. برنامه هدف‌مند پیامبر اکرم ﷺ برای تغییر عوامل اجتماعی و فرهنگی و انتقال و تسری بسیاری از مفاهیم قرآنی توأم با تشریح بسیاری از قواعد و تشریح فرایض و ابلاغ مجموعه‌ای از قوانین عبادی بود. تغییر و نوسازی جامعه جاهلی، تنها با تلاش‌های بی‌وقفه و به‌کارگیری آیات الهی و پشتوانه قوی خداوندی میسر بود.<sup>۱</sup> با این وصف مطالعه برنامه و سازوکارهای اجتماعی پیامبر ﷺ در تحولات و تغییرات فرهنگی مدینه، بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ چنان‌که این سازوکارها به عنوان الگوهای رفتاری در فراخنای تاریخ اسلام، دست‌مایه‌ای گران‌قدر برای تحولات فرهنگی دولت‌های اسلامی خواهند بود و قابلیت اجرا و حصول نتیجه را در همه ادوار خواهند داشت.

حوزه نظری وسیع علوم انسانی و وجود تعاریف متنوع و متعدد از واژه‌هایی چون فرهنگ، تحول فرهنگی و نظم اجتماعی، ضرورت لزوم تعاریفی واحد را بیشینه می‌کند. از این رو، در همین بحث مقدماتی، ابتدا از واژه فرهنگ که معنایی گسترده و کلان‌دامنه دارد، تعریفی متناسب با چارچوب تحقیقاتی این پژوهش عرضه می‌شود. علی‌رغم تنوع تعاریف، فرهنگ در یک معنای کلی، همه دست‌آوردهای معنوی و فکری بشر را شامل می‌گردد که میراث تاریخی و اعتقادی یک جامعه محسوب شده، عناصر عینی و ذهنی سازمان اجتماعی بشر و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اعتقادات و باورها و آداب و رسوم و زبان را دربر می‌گیرد.<sup>۲</sup> تغییر نیز در لغت

۱. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا. سوره فتح،

آیه ۲۸.

۲. بروس کوئن، مبنای جامعه‌شناسی، توسلی، ص ۵۹، قم: مهر، ۱۳۷۶ هـ.ش؛ علی اکبر ولایتی، فرهنگ و

تمدن اسلامی، ص ۱۹، قم: نشر معارف، ۱۳۸۵ هـ.ش.

به معنای از حالی به حالی برگردانیدن و دگرگون کردن است<sup>۱</sup> و اصطلاحاً تغییر فرهنگی، یعنی دگرگونی در رفتارها و اخلاقیات و برخی سازه‌های اجتماعی<sup>۲</sup>. تحول نیز از ریشه «حَوَّل» گرفته شده و در لغت، به معنای دگرگونی چیزی و جدا شدن از غیر آن آمده است.<sup>۳</sup> در اصطلاح علوم اجتماعی، برای تحول دو معنا ذکر شده است: نخست، هر نوع تغییر در جهت افزایش یا کاهش و دوم، گسترش منظم هر چیز مانند یک نظریه یا یک نظام فکری.<sup>۴</sup> هم‌چنین کنترل اجتماعی، یعنی سازوکارهایی که حاکمیت به وسیله آن تسلط خود را بر اشخاص اعمال می‌کند و آنان را وادار می‌دارد تا با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هم‌نوا شوند.<sup>۵</sup> ارزش‌های اجتماعی هم‌زیربنای هنجارها، نهادها، و ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند و چارچوبه‌هایی برای مشروع ساختن رفتارهای انسانی هستند.<sup>۶</sup> بدین ترتیب پیامبر عظیم‌الشأن اسلام با مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری با دست‌مایه‌ای غنی از آموزه‌های وحیانی، به تغییرات فرهنگی مبادرت نمودند و برخی از هنجارها و مناسبات فرهنگی را تأسیس و پاره‌ای را اصلاح و ترمیم کردند. آن‌چه در پی خواهد آمد، بررسی جامعه‌شناختی از رفتارهای اصلاح‌گرایانه پیامبر ﷺ و سازوکارهای اجتماعی آن خواهد بود.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۹۸۷، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.

۲. منوچهر محسنی، جامعه‌شناسی عمومی، ص ۴۷۸، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۸ ه.ش.

۳. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، ص ۲۶۶، دمشق - بیروت: دارالکلم - الدارالشامیه، ۴۱۲ ه.ش.

۴. محمد منصور و دیگران، لغت‌نامه روان‌شناسی، ص ۱۰۲، تهران، بی‌جا، ۱۳۵۶ ه.ش.

۵. لوئیس کوزر، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ص ۱۰۷، ترجمه فرهنگ ارشاد تهران، نشر نی، ۱۳۷۸ ه.ش.

۶. امان‌الله قرائی مقدم، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۰۰، تهران، ابجد، ۱۳۷۴ ه.ش.

## سازوکارهای اجتماعی و تغییرمبادی رفتاری

به روایت منابع و سیر، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سازوکارهای متنوع و کارآمدی برای تحقق اصلاح اجتماعی و تحول فرهنگی بهره بردند. از آن جا که کاربست سازوکارهای بی واسطه و استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم در نظام اصلاحی، اهداف فرهنگی را محقق می‌کرد، الگوهای رفتار فرهنگی پیامبر و حصول نتایج در کمترین زمان ممکن دارای اهمیت می‌نماید؛ زیرا به درستی پیداست که زمان بر بودن فعالیت‌های فرهنگی و دیربازده بودن راه‌کارهای اصلاحی، و البته کمی فرصت دولت نبوی، ابزارها و سازوکارهای کارآمدی را می‌طلبد که دستامد بررسی این سازوکارها، حصول الگویی عملی و رفتارهایی بی بدیل در تحول سازه‌های فرهنگی جوامع اسلامی خواهد بود.

بر اساس منابع تاریخی، جامعه جزیره العرب، دارای ساختاری قبیله‌ای با ارزش‌های قوم‌مدارانه بود. میراث کهن و ریشه‌دار فرهنگ جاهلی با روی‌کردی قبیله‌ای با ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی قابلیت جمع‌نداشت. آموزه‌های قرآنی و مجموعه قواعد فرهنگ اسلامی در مواجهه با ساختار عقیدتی، سیاسی و اجتماعی جامعه جاهلی، تعارض و تقابلی اساسی یافتند.

نقبای نبوی، نخستین گام تحول فرهنگی را در یثرب برداشتند و جامعه را به چالشی تقابلی برای پذیرش مفاهیم اسلامی واداشتند. دومین گام اساسی، ورود پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان مهاجر به یثرب بود که روند تحولات فرهنگی را تسریع کرد و قبایل اوس و خزرج را به تعامل و مودتی معنادار فراخواند. تنوع آداب و رسوم متناسب با گوناگونی قبایل، به تعدد کارکردهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه یثرب انجامیده بود.

مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار عملی نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تحقق تحول

فرهنگی قرآن کریم بود.<sup>۱</sup> روی کرد آرام و بطیء و در عین حال حساب شده و هدف مند رهبر فرهنگ جامع اسلام، آیات نازل شده را با مسائل اعتقادی پیوند داد و جامعه آماده تحول را برای پذیرش اصلاحات فرهنگی، با مجموعه‌ای از احکام مرتبط با هنجارها و ارزش‌های اسلامی و تکالیف فردی و اجتماعی مواجه کرد.

ترک آداب و عادات و رسوم رسوخ شده جاهلی به یک باره ممکن نبود. بهترین روش برای جای‌گزینی ارزش‌های اسلامی، روش تدریج توأم با آموزش بود. سرمطلع اقدامات فرهنگی دولت نبوی برای طرح زیرساخت‌های اجتماعی، ساخت نهادهای فرهنگی، ایجاد مودت اجتماعی، طراحی پیمان برادری، اقدامات عام‌المنفعه و وضع قوانین عادلانه برای تأمین و حفظ حقوق انسانی بود.

### تأسیس نهاد دینی و اجتماعی مسجد و تحول در الگوهای فرهنگی

بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از هر چیز، تبعات فرهنگی تعیین کننده‌ای دربر داشت. دستامد عصر مکی، تغییرات مهم فکری و انگیزشی بود که هرچند در مکه پا گرفت، در مدینه با هجرت پیامبر و طراحی الگوی تغییر با تمسک به نهادهای اجتماعی با کارکردهای عبادی و تعلیمی به بار نشست. تأسیس مسجد به عنوان نهاد و پایگاه فرهنگی، نخستین اقدام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ایجاد تغییرات و تثبیت دگرگونی‌های فرهنگی بود. درک این مطلب چندان دشوار نیست که دریا بییم مسجد، مهم‌ترین و کارآمدترین عنصر اجتماعی در تثبیت الگوهای رفتار دینی، عبادی و اجتماعی است؛ زیرا این کانون فرخنده با نمادهای توحیدی، از بدو تأسیس با دارا بودن نقش‌های محول و محقق بسیار، توانست سهمی درخور در تحولات فرهنگی و ریشه‌افکنی بنیاد شرک و

۱. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

پیوند عناصر نامتجانس فرقه‌ای گرد هم به عهده داشته باشد و به محلی برای تأمین نخستین تمنیات علمی و گفت‌گوهای فرهنگی حتی در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبدیل شود.<sup>۱</sup>

انتخاب و کاربرد واژه فاخر نام مسجد نیز که می‌توانست تمامی عبودیت حق تعالی و ساییدن پیشانی بر زمین را تجلی کند،<sup>۲</sup> خود به تنهایی، تمامی پیام انقلاب فرهنگی پیامبر را به ذهن متبادر می‌کرد. راغب اصفهانی در عباراتی مختصر، مسجد را از سجده و جمع آن را «سُجُود» به معنای آرامش و فروتنی و اطاعت آورده است. پس بر اساس متون تاریخی، مسجد مکانی برای ابراز فروتنی، عبادت و پرستش خداوند خواهد بود.<sup>۳</sup> مؤید ادعای ارج‌مندی مسجد به عنوان کانون تحول فرهنگی، روی کرد قرآنی به واژه «مسجد» است که دست‌کم با مشتقات متعددش، ۹۲ بار در قرآن به‌کار گرفته شده است. این فراوانی استعمال، می‌تواند مؤید اهمیت کانون فرهنگی مسجد در تمدن اسلامی باشد.

اطلاق لفظ مسجد در قرآن کریم به همه زمین<sup>۴</sup> مطابق تفسیر آیه کریمه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ»؛<sup>۵</sup> "و اینکه مساجد از آن خداست"، شاید بتوان بی‌دشواری پذیرفت که در فرهنگ اسلامی مسجد، محل و کانونی عام و بی‌پیرایه برای اجرای عبادت و سجده باری تعالی و انجام دادن فرایض و تکالیف شرعی هم‌چون نماز و یا عبادات معمول<sup>۶</sup> بوده است. روایتی مشهور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مبنی بر

۱. عبدالسلام مقبل مجبری، *إذهاب الحزن وشفاء الصبر والسقيم*، ص ۴۵.

۲. حقه‌بن منظور، *لسان العرب*، ج ۳، ص ۲۰۴، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ هـ.ق.

۳. راغب اصفهانی، *مفردات*، همان، ص ۳۹۶.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، ج ۱۰،

ص ۵۶۰، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ هـ.ش.

۵. سوره جن، آیه ۱۸.

۶. دهخدا، همان، ج ۱۲، ص ۱۸۴۱۷.

این که «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا»؛ "زمین همه‌اش برای من مسجد و طهور (یعنی جای نماز و پاک) قرار داده شده،" مؤید این مدعاست که اسلام، روی کردی فراگیر به محل عبادت مسلمانان دارد. آیات قرآنی با روی کرد تشویقی، مسلمانان را به ساختن و آباد کردن مسجد تحریض می‌کند: (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ)<sup>۲</sup> چنان‌که بیشترین و البته نخستین اقدام پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به محض ورود به محله قباء<sup>۳</sup> و سپس یثرب، بر مدار ساخت مسجد گردیده است.

فعالیت‌ها و اقدامات پرشماری چون اجرای امور عبادی، امور فرهنگی و آداب و مناسک ویژه، تعاملات اجتماعی و البته محل سکونت نبی مکرم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجد، موجب شده است تا کارکردهای چند منظوره مسجد هرگز از چشم تیزبین پژوهش‌گران دور نباشد.

حضور بی‌سریپناهان مدینه یعنی اصحاب صفا در مسجد و رسیدگی پیامبر به آنان<sup>۴</sup> و اشارات قرآن کریم<sup>۵</sup> مطابق روایات ائمه اطهار عليهم السلام، زمینه‌ای شد تا همواره مسجد، مأمن و سرپناهی برای آوارگان، بی‌سریپناهان، نیازمندان و فقرا باشد.

۱. شیخ صدوق، *مالی*، ص ۲۱۶، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ه.ق.

۲. سوره توبه، آیه ۱۸. "مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

۳. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴.

۴. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵. لِّلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُخْضِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ صَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (سوره بقره، آیه ۲۷۳).

۶. طبرسی، *مجمع البیان*، همان، ج ۱۰، ص ۵۶۰.



## نکات فرهنگی نهفته در انتخاب محل مسجد

### ۱. مانع شدن از اختلاف

افزون بر کاربری مسجد و رفع نیازهای مادی و معنوی آن که در سیره و قرآن کریم به درستی فلسفه آن نهفته، شیوه انتخاب محل آن نیز شایان توجه است. چنان که این شیوه خود توانست به عنوان اقدامی فرهنگی ساز، از بسیاری مشکلات اجتماعی و معضلات آتی جلوگیری نماید. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در بدو ورود به مدینه، با مشاهده التهابات اجتماعی و تمایل انصار به استقرار ایشان در محله‌های آنها، به منظور جلوگیری از هرگونه شبهه و درگیری اجتماعی فرمودند: «إني أمرت بقرية تأكل القرى، خلوا سبيلها فإنها مأمورة».<sup>۱</sup> سپس در محل مسجد بنی سالم نماز جمعه برگزار کردند.<sup>۲</sup>

### ۲. توجه به حفظ حقوق ایام در جامعه

شتر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از گذر از محله‌های مختلف، کنار زمینی متعلق به دو یتیم از بنی نجار به نام‌های سهل و سهیل، نشست و پیامبر آن مکان را برای ساخت مسجد خریداری نمود.<sup>۳</sup>

در مورد جمله «إني أمرت بقرية تأكل القرى» می‌توان گفت: «اکل قری»، کنایه از فتح شدن است؛ یعنی قریه‌ای که سایر قریه‌ها و قبایل را فتح می‌کند. بنابراین، محل و قبیله مذکور باید تناسب معقولی با سایر محله‌ها داشته باشد. به تعبیر دیگر

۱. ابوسعید خردوسی نیشابوری، *شرف المصطفی*، ج ۲، ص ۶۷، مکه: دارالبشائر الإسلامية، ۱۴۲۴ هـ ق؛ بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۲، ص ۵۰۴.

۲. بلاذری، *أنساب الأشراف*، همان، ج ۱، ص ۲۶۳؛ تقی‌الدین مقریزی، *امتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال والحفدة والمتاع*، ج ۱، ص ۶۶، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ هـ ق.

۳. عبدالملک بن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۴۹۵، ترجمه: سیدهاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۵ هـ ش.

«تأکل القرى»، می‌تواند کنایه از محلی باشد که دارای موقعیت جغرافیایی مناسب و کلیدی است. توجه به محله بنی‌نجر که مسجد پیامبر ﷺ در آن واقع شده، نشان می‌دهد که فاصله این منطقه از شمال تا احد و از جنوب تا قبا، شش کیلومتر و در وسط راه است. از نظر شرقی و غربی نیز میان دوحره که شش کیلومتر است، باز مسجد در نقطه میانی قرار دارد. بنابراین، مفهوم «بقریه تأکل القرى»، انتخاب مکانی است که از آن‌جا امکان دسترسی به نقاط مختلف آسان باشد.<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام ﷺ از ابتدای ورود به مدینه، مردم را به حسن رفتار اجتماعی و استحکام پیوند میان‌شان<sup>۲</sup> و توجه به نماز و مسجد<sup>۳</sup> سفارش فرمودند. گویا بین این دو، ارتباط خاصی وجود دارد و هر دو از سفارش‌هایی مهم دین اسلام است.

### فرهنگ مودت و دوستی

پیامبر مکرم اسلام ﷺ از قبایل متعدد کوچک و بزرگی که دائماً با یک‌دیگر اختلاف و جنگ داشتند، ملت واحدی به وجود آوردند. ایشان توانستند برای نخستین بار ملت واحدی به وجود آورند که به جای پیوند قبیله‌ای، تحت نیروی مذهب با یک‌دیگر متحد شده بودند.

پیامبر ﷺ با رفتار محبت‌آمیز خود افراد و قبایل مختلف را به سمت اسلام جذب و آنها را به محبت و نیکی به هم سفارش می‌فرمودند. عبدالله بن سلام نقل کرده که هنگام ورود پیامبر ﷺ به مدینه، مردم به استقبال ایشان رفتند. آن حضرت به مردم فرمود: «ای مردم به یک‌دیگر سلام کنید و به مردم غذا بدهید و پیوند خویشاوندی را رعایت کنید و هنگامی که مردم خفته‌اند، نماز بخوانید تا به سلامت وارد بهشت

۱. اصغر منتظرالقائم، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی سیره شناختی پیامبر اعظم ﷺ، رسول

جعفریان، مقاله «حکمت انتخاب محل مسجد النبی ﷺ در مدینه»، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۷.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ص ۱۱۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ.ق.

۳. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۰، قم: دارالرضی، ۱۴۰۶ هـ.ق.

شوید». <sup>۱</sup> بی شک آن حضرت، با رفتار محبت آمیز خویش، به صورت عملی دیگران را به مودت با یک دیگر تشویق می فرمودند، و همین رفتار ایشان در افراد تأثیر می گذاشت. طایفه بنی سعد بن بکر، ضمام بن ثعلبه را نزد پیامبر اسلام ﷺ فرستادند تا از طرف آنها در مورد پیامبر ﷺ و اسلام تحقیق کند و نتیجه را به آنان اطلاع دهد. او به مدینه رفت و در مقابل درب مسجد شتر خود را خواباند و زانویش را بست و نزد پیامبر ﷺ که با مسلمانان نشسته بودند رفت. او به سوی حاضران آمد و پرسید: «کدام یک از شما پسر عبدالمطلب است؟» پیامبر ﷺ فرمودند: «من پسر عبدالمطلب ام.» پرسید: «آیا محمد ﷺ تو هستی؟» گفت: «آری.» گفت: «ای پسر عبدالمطلب، من از تو پرسش هایی دارم و در پرسش پافشاری می کنم. این را بر من عیب نگیر.» پیامبر ﷺ فرمودند: «هر چه می خواهی بپرس.» عرض کرد: «تورا به الله، خدای تو و خدای پیشینیان و خدای هر که پس از توست سوگند می دهم، آیا خداوند تو را به عنوان پیامبر به سوی ما فرستاده است؟» پیامبر ﷺ فرمودند: «به خدا سوگند آری.» <sup>۲</sup>

گفت: «تورا به الله خدای تو و خدای پیشینیان سوگند می دهم که آیا خداوند به تو فرمان داده تنها او را بپرستیم و چیزی را با او شریک نگیریم و این همتایان را که پدرانمان آنها را می پرستیدند دور بریزیم؟» فرمود: «آری.» مرتبه سوم نیز سوگند پیشین را تکرار کرد و گفت: «آیا خداوند به تو فرمان داده که پنج نماز بگزاری؟» فرمود: «آری.» سپس ضمام یک به یک واجبات را برشمرد و هیچ چیز را که اسلام واجب نموده بود، ذکر نکرد مگر آن که پیامبر ﷺ را درباره آن سوگند داد. چون شمردن واجبات تمام شد گفت: «گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و محمد ﷺ بنده و رسول اوست.» و خدا را گواه گرفت که همه آن چه را اسلام واجب

۱. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲. نمیری، تاریخ المدینة المنورة، ج ۲، ص ۵۲۱؛ ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۵، ص ۶۰.

کرده به قومش بگوید و هر چیزی را که اسلام نهی کرده، ترک کند. سپس از مسجد بیرون رفت.<sup>۱</sup>

هنگامی که ضمام به قومش رسید، دورش جمع شدند. نخستین سخنی که به آنها گفت این بود: «چه بد هستند لات و عزی!» مردم گفتند: «ای ضمام ساکت باش! از پیسی و خوره و دیوانگی بترس.» ایشان بر این باور بودند که هر کس به آن دو بت اهانت کند، دچار این بیماری‌ها خواهد شد. ضمام گفت: «وای بر شما، به خدا سوگند اینها نه زیان می‌رسانند و نه سود می‌دهند. خداوند پیامبری برگزیده و کتابی بر او فرود آورده که شما را از آن چه در آن هستید، نجات می‌دهد. من گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست و او یگانه و بی شریک است و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست و من از جانب او آن چه را که فرمان داده و آن چه را که نهی فرموده برای شما آورده‌ام.» آن روز هر کدام از افراد قبیله ضمام نزد او رفت، مسلمان شد.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از تغییراتی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله میان مردم مدینه ایجاد نمودند، تغییر در مفاهیمی چون دوستی‌ها و دشمنی‌ها بود. از آن جا که اساس علایق، دوستی‌ها و دشمنی‌ها در میان عرب‌های عصر جاهلیت، از منافع قبیله‌ای و گاه پیمانانشان فراتر نمی‌رفت و ارتباطاتشان بر اساس منافعشان تعریف می‌شد، به نظر می‌رسد در مواجهه با تعالیم اسلام و آموزه‌های نبوی صلی الله علیه و آله بسیاری از این مفاهیم تغییرات فراوانی کردند. برای نمونه، در ماجرای عزیمت مهاجران مکی به مدینه، تلاش‌های آن حضرت به منظور ایجاد دوستی میان افرادی با شرایط متفاوت بسیار کارساز بود. چنان چه پیامبر صلی الله علیه و آله زمینه‌های ایجاد هم‌دلی میان مسلمانان مکی و مدنی را فراهم نمی‌آوردند، وضعیت اجتماعی آن چنان که مطمع نظر ایشان بود، تغییر نمی‌کرد.

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۱۲۵.

۲. نمیری، همان، ج ۲، ص ۵۲۱؛ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۵۷۳.

هنگامی که مهاجران به مدینه آمدند، مردم مدینه به پیامبر ﷺ عرض کردند: «ای رسول خدا ﷺ نخل های ما را بین ما و مهاجران تقسیم کن.» پیامبر ﷺ که می دانستند نخل، مهم ترین منبع درآمد انصار است، فرمود: «نه، شما وسایل زندگی شان را فراهم کنید و در خرما شریکشان کنید.» آنها گفتند: «اطاعت می کنیم»<sup>۱</sup>. پس از جنگ با بنی نضیر، هنگامی که آن حضرت می خواستند غنایم به دست آمده را تقسیم نمایند، به انصار فرمودند: «به درستی که برادران مهاجر شما اموالی ندارند. اگر بخواهید این اموال را بین شما و آنها تقسیم نمایم و اگر خواستید چیزی نگیرید و تنها بین آنان تقسیم کنم.» انصار گفتند: «ما نمی خواهیم، بلکه میان آنان تقسیم کنید و از اموال ما هر چه خواستند میان آنها تقسیم کنید.» در این هنگام این آیه نازل شد:<sup>۲</sup>

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَجِبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۳</sup>

و برای کسانی است که در این سرا [سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند، دوست می دارند و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده، احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند، کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده اند رستگارانند.

### راهکارهای ایجاد مودت و نتایج آن

اوس و خزرج پس از جنگ های خونین و طولانی، در پرتو تعالیم اسلام و ارشادات

۱. احمد عجاج کرمی، الإدارة فی عصر الرسول ﷺ، ص ۷۸، قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۷ هـ.ق.

۲. نمیری، همان، ج ۲، ص ۴۸۹.

۳. سوره حشر، آیه ۹.

رسول خدا ﷺ کینه‌ها را کنار گذاشته، با یک‌دیگر دوست و مهربان شدند. اما پس از اسلام نیز گاهی ریشه اختلافات گذشته سر برمی‌آورد و کینه‌های جاهلی آشکار می‌گشت. در چنین مواقعی نبی مکرم اسلام ﷺ با تدبیر خاص، میان آنان آشتی و دوستی برقرار می‌نمودند. یکی از آن موارد پس از جریان افک بود.

بعد از مراجعت پیامبر اسلام ﷺ از جنگ بنی‌المصطلق، گروهی از منافقان به سرکردگی عبدالله بن ابی و چند نفر از خزرج، شایعه‌ای در مورد یکی از همسران پیامبر ﷺ پخش می‌کردند. رسول خدا ﷺ ضمن خطبه‌ای فرمودند: «چیست افرادی را که درباره خانواده‌ام مرا می‌آزارد و سخنان ناروایی درباره آنها می‌گویند، در صورتی که به خدا سوگند من جز خیر از ایشان چیزی ندیده‌ام، و نیز به مردی تهمت می‌زنند که به خدا سوگند از او نیز جز خیر چیزی ندیده‌ام.» در این هنگام اسیدبن حضیر (که جزء بزرگان اوس بود) برخاست و عرض کرد: «ای رسول خدا ﷺ اگر این یاوه‌گویان از قبیله اوس هستند ما شر آنها را کفایت خواهیم کرد، و اگر از قبیله خزرجند هر دستوری درباره آنها صادر کنید انجام می‌دهیم، به خدا آنها سزاوار هستند که گردنشان را بزنند.»<sup>۱</sup>

سعدبن عباد (رئیس خزرج) به طرف‌داری از قبیله خود برخاست و به اسیدبن حضیر گفت: «به خدا دروغ می‌گویی و هرگز ما گردن آنها را نمی‌زنیم و خدا می‌داند که تو چون می‌دانستی تهمت‌زنندگان از خزرج هستند، این سخن را گفتم و اگر از قوم خودت بودند این حرف را نمی‌زدی؟» اسید گفت: «تو دروغ می‌گویی و شخص منافقی هستی که از منافقان طرف‌داری می‌کنی.» اختلاف زیاد شد و نزدیک بود میان دو قبیله درگیری ایجاد شود.<sup>۲</sup>

چند روز پس از جریان افک که بین اوس و خزرج اختلاف ایجاد شد و کینه‌های

۱. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۶۱۴-۶۱۵.

جاهلی سر باز کرد، پیامبر ﷺ همراه چند نفر دست سعد بن معاذ را در دست گرفتند و او را به خانه سعد بن عباده بردند، و به اتفاق همراهان، ساعتی در خانه سعد بن معاذ ماندند. سعد بن عباده هم خوراکی تهیه کرد و پیامبر ﷺ و سعد بن معاذ و همراهان همان جا غذا خوردند. چند روز دیگر پیامبر ﷺ به اتفاق تنی چند، دست سعد بن عباده را گرفتند و او را به خانه سعد بن معاذ آوردند و ساعتی نشستند و صحبت کردند. سعد بن معاذ هم غذا تهیه کرد و پیامبر ﷺ و سعد بن عباده و همراهان آن جا غذا خوردند. پیامبر ﷺ این کار را به منظور رفع کدورتی که در جر بحث میان ایشان حاصل شده بود انجام دادند.<sup>۱</sup>

بر اساس برخی منابع، افراد دو قبیله اوس و خزرج پس از مسلمان شدن، مانند دو قوچ در خدمت به پیامبر اسلام ﷺ با هم مسابقه می دادند. هر زمان اوسیان خدمتی می کردند، خزرجیان می گفتند: «به خدا به این فضیلت نزد پیامبر ﷺ و مسلمانان از ما سبقت نگیرید.» و تا زمانی که کاری نظیر آن انجام نمی دادند، آرام نمی گرفتند و هرگاه خزرجیان خدمتی می کردند، اوسیان همین سخن را می گفتند.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از آیات قرآن مجید که به دوستی اوس و خزرج پس از دشمنی های دیرینه اشاره می کند این آیه است:

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ<sup>۳</sup>

و دل های آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می کردی که میان دل های آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است.

۱. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۳۵، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ هـ.ق.

۲. تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۴۹۵.

۳. سوره انفال، آیه ۶۳.

رسول خدا ﷺ، با نرمی و از روی مدارا دل‌ها را متحول و به حق متمایل گردانید. تألیف قلوب و پیوند نفوس، کاری است دشوار، به ویژه نسبت به افرادی که دیر زمانی به جنگ و کشتار یک‌دیگر مشغول بودند.

یکی از معجزات بزرگ پیامبر مکرم اسلام ﷺ این بود که به سوی مردمی مبعوث شدند که اگر به فردی از آنان یک سیلی زده می‌شد، به سبب آن جنگ‌ها و خونریزی‌ها برپا می‌کردند. اما به وسیله ایمان به خداوند، این دشمنی‌ها و خودسری‌ها از میان رفت و میان آنها تفاهم و دوستی ایجاد شد و در راه ایمان، از کشتن پدر و پسر و برادر خود امتناع نداشتند. خداوند اعلام می‌کند که این ایجاد محبت بین مسلمانان را خودش انجام داده است.<sup>۱</sup>

### سازوکار پیمان برادری و نتایج آن

ایجاد پیمان برادری میان برخی از مهاجران و انصار، از نخستین اقدامات پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه بود. این پیمان آن چنان محکم و قوی بود که بر اساس آن قرار شد، آنان بعد از مرگ هم‌چون خویشاوندان از یک‌دیگر ارث برند. این پیمان برادری میان نود نفر که ۴۵ تن از مهاجران و چهل و پنج تن از انصار بودند - و بنابر قولی میان صد نفر یعنی از هر گروه پنجاه نفر - برقرار شد.<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ با این اقدام از یک‌سو، مشکلات مالی مهاجران را برطرف کرد یا کاهش داد و از سوی دیگر، از دل‌تنگی‌های عاطفی آنان کاست و روابط اجتماعی عمیق‌تری میان آنان به وجود آورد.

این پیمان پیش از غزوه بدر بود تا هنگامی که در آن جنگ، خداوند این آیه را نازل فرمود:

التَّيْبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ

۱. طبرسی، مجمع‌البیان، همان، ج ۴، ص ۸۵۴.

۲. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۸۴.



بَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ  
مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا.<sup>۱</sup>

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران آنها [مؤمنان] محسوب می‌شوند و خویشاوندان نسبت به یک‌دیگر از مؤمنان و مهاجران در آن چه خدا مقرر داشته اولاً هستند، مگر این‌که بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید) این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است.

لذا حکمی که در صدر اسلام اجرا می‌شد و افرادی که با یک‌دیگر پیمان عقد اخوت بسته و از یک‌دیگر ارث می‌بردند، نسخ شد. و خداوند فرمود: از این به بعد تنها خویشاوندان از یک‌دیگر ارث می‌برند.<sup>۲</sup>

### سازوکارهای عام‌المنفعه و بازخورد فرهنگی آن

رسول گرامی اسلام ﷺ با انجام دادن کارهای عام‌المنفعه، بین مردم دوستی ایجاد می‌کردند.

در مدینه غیر از چاه «رومه» که از آن مردی از بنی مزینه بود،<sup>۳</sup> آب گوارایی وجود نداشت و برای استفاده از آن می‌بایست آب می‌خریدند. پیامبر ﷺ فرمود: «چه کسی چاه رومه را می‌خرد تا خودش و دیگر مسلمانان از آن استفاده کنند و در مقابل، خداوند بهتر از آن را در بهشت به او بدهد.» یکی از مسلمانان آن را خرید و در اختیار همه مسلمانان اعم از فقیر و غنی قرار داد.<sup>۴</sup>

۱. سوره احزاب، آیه ۶.

۲. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۷۷.

۳. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۳۹۲.

۴. علی بن الحسن شافعی، معروف به ابن عساکر، تاریخ مدینه، ج ۲، ص ۱۰۴، دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ.ق.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تشویق مردم به کارهای عام‌المنفعه، علاوه بر رفع نیازهای ضروری جامعه و ایجاد رابطه محبت و احساس مسئولیت میان مسلمانان، روحیه و فرهنگ مال دوستی را در آنان از میان بردند. هم‌چنین با اشاره به ثواب کارهای خدایسندانه، ارزش‌های اسلامی را در نهاد مسلمانان درونی ساختند.

### حقوق انسانی در فرهنگ نبوی

یکی از اقدامات اجتماعی پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌توانست آثار شگرف فرهنگی در جامعه بر جای گذارد، اصلاح یا وضع قوانین اجتماعی بود. زنان از جمله قشرهای آسیب‌پذیر جامعه بودند که در موارد مختلف از جمله ارث، حقوقشان رعایت نمی‌شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اساس آموزه‌های قرآنی، به مبارزه با این ستم‌ها برخاستند و حقوق زنان را احیا فرمودند. به برخی از آیاتی که در این باره نازل شده، اشاره می‌شود:

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا<sup>۱</sup>

برای مردان، از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز، از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده.

این آیه در حقیقت گام مهمی در جهت مبارزه با چنین عادات و رسوم جاهلی بود که می‌توانست زنان و کودکان را از ارث مسلم خود محروم سازد؛ زیرا عرب‌ها با رسم غلط و غیرعادلانه‌ای که داشتند، زنان و فرزندان خردسال را از ارث محروم می‌ساختند. قرآن مجید با خط بطلان کشیدن بر این قانون غیرعادلانه فرمود: مردان باید سهمی از اموالی را که پدر و مادر و نزدیکان به جای می‌گذارند به زنان

۱. سوره نساء، آیه ۷.

بپردازند کم باشد یا زیاد و بر این موضوع تأکید کرد که هیچ یک حق ندارد سهم دیگری را غصب نماید.<sup>۱</sup>

منابع در شأن نزول این آیه آورده‌اند: اوس بن ثابت انصاری از دنیا رفت، در حالی که زنش به نام «امّ کحه» و سه دخترش زنده بودند. دو پسرعموی اوس به نام سوید و عرفجه که وصیش بودند، مالش را تصرف کردند و به زن و دخترانش چیزی ندادند؛ زیرا در جاهلیت رسم بود که به زن و فرزند صغیر (گرچه پسر باشد) ارث نمی‌دادند و فقط مردان ارث می‌بردند. در آن دوران می‌گفتند: تنها کسی ارث می‌برد که به اسب سواری و غنیمت‌گیری قادر باشد. ام کحه نزد رسول خدا ﷺ رفت و ماجرا را بیان نمود و اظهار کرد بچه‌هایش خرجی ندارند، در حالی که پدرشان مال چشم‌گیری به جا گذاشته که در اختیار سوید و عرفجه است و از آن مال به آنان نمی‌دهند. پیغمبر ﷺ آن دو را احضار فرمود. گفتند: «ای پیامبر خدا، بچه‌های برادرمان نمی‌توانند اسب سواری کنند و اسلحه بگیرند و توان جنگیدن ندارند.» پیغمبر ﷺ فرمود: «باز گردید تا ببینم خداوند در این باره چه می‌فرماید. سپس آیه مزبور نازل شد.<sup>۲</sup>

آیه یازده سوره نساء نیز در دفاع از حقوق زنان نازل شده است:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ لَلْأُنثِيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ءَابَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۷۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ هـ.ش.  
 ۲. احمد بن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۲۹۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ.ق؛ واحدی نیشابوری، أسباب النزول، ص ۱۵۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ هـ.ق.

حَكِيمًا؛<sup>۱</sup>

خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد و اگر فرزندان شما (دو دختر) و بیش از دو دختر باشند، دوسوم میراث از آن آنهاست و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث) از آن اوست؛ و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد و اگر فرزندی نداشته باشد و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است) و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقی مانده، برای پدر است). (همه اینها) بعد از اجرای وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانان، کدام یک برای شما سودمندترند! - این فریضه الهی است و خداوند، دانا و حکیم است.

برخی از مفسران معتقدند که این آیه درباره عبدالرحمان برادر حسان، شاعر معروف، نازل شده است. هنگامی که وی از دنیا رحلت کرد، دارای یک همسر و پنج برادر بود. برادران آمدند و اموال وی را گرفتند و زن را از ارث محروم کردند. زن خدمت پیامبر ﷺ شکایت کرد و آیه یادشده در این زمان، برای تعیین میزان ارث نازل شد.<sup>۲</sup>

این که خداوند در بیان حکم ارث دختر و پسر می‌فرماید: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (ارث پسر دو برابر ارث دختر است)، رسم جاهلیت (که ارث بردن زنان را ممنوع می‌دانست) اشاره دارد که در اسلام باطل شده است. گویا این رسم و نیز حکم خداوند یعنی ارث بردن زنان را یک حکم معروف بیان نمود و فرمود: مردان مثل زنان ارث می‌برند ولی دو برابر. به عبارت دیگر، ارث زن را اصل در تشریح قرار داده و ارث مرد را به طفیل آن ذکر کرده تا مردم برای فهمیدن این که ارث مرد چقدر است،

۱. سوره نساء، آیه ۱۱.

۲. طبرسی، همان، ج ۳، ص ۲۴.

محتاج باشند بفهمند ارث زن (یعنی دختر میت) چه میزان است، با مقایسه با آن،  
دوبرابرش را به پسر میت بدهند!

در اواخر این سوره خداوند می فرماید:

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي  
يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ  
الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ  
اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا<sup>۱</sup>

از تو درباره حکم زنان سؤال می کنند؛ بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ  
می دهد: آن چه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی دهید و  
می خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آن چه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای  
شما بیان شده (قسمتی از سفارش های خداوند در این زمینه است و نیز به شما  
سفارش می کند که با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آن چه از نیکی ها انجام  
می دهید، خداوند از آن آگاه است و به شما پاداش شایسته می دهد.

این آیه و آیات پس از آن، در حقیقت به مطالب اول سوره ناظر است. در آیات  
آغازین این سوره نیز خداوند، مطالبی در مورد حفظ حقوق زنان بیان فرموده و رسوم  
ریشه دار عرب جاهلی را که حقوق زنان را از بین می برد، لغو و باطل اعلام فرموده  
است. مردم پس از شنیدن این آیات، از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال هایی کردند. خداوند به  
پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داد تا در پاسخ ایشان بگوید: احکامی که در شریعت  
اسلام به نفع زنان و به ضرر مردان تشریح شده، احکامی است الهی و خود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
در تشریح آنها هیچ گونه دخالتی نداشته و نه تنها در تشریح این احکام، بلکه در  
تشریح هیچ حکم دیگری از جمله تشریح احکام مربوط به زنان بی سرپرست دخالتی  
ندارد. علاوه بر این، خداوند به طور کلی درباره ایتام به آنان دستور داده که به عدالت

۱. المیزان، ج ۴، ص ۲۰۷.

۲. سوره نساء، آیه ۱۲۷.

رفتار کنند.<sup>۱</sup>

## نتیجه

ساختار فرهنگی مدینه عصر نبوی، بر مبانی اسلامی و ارزش‌های انسانی مبتنی بود. این تحول اساسی، نتیجه تلاش‌های پی‌درپی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بود که در کمترین زمان ممکن محقق شد. ساختار نابه‌سامان فرهنگی مدینه جدای از فرهنگ جاهلی حاکم بر جزیره‌العرب نبود. رفتارهای زشت و عادات نابه‌هنجار حاکم بر جامعه مدینه، مظهر واپس‌ماندگی متأثر از فرهنگ جاهلی بود که همین عامل، مهم‌ترین ریشه‌کنی آهنگ تحولات فرهنگی در مدینه بود. امر دشوار فراگرد اجتماعی به تغییر مناسبات فرهنگی و جای‌گزینی ارزش‌های اسلامی به جای هنجارهای جاهلی، کاری بس دشوار و در ظاهر ناممکن بود که تنها به مدد آیات الهی میسر شد. یافتن پاسخ این پرسش اساسی که راه‌کار و سازوکار پیامبر صلی الله علیه و آله در ایجاد تحولات فرهنگی در مدینه چه بود، دستامد پژوهش حاضر است. آن‌چه در پایان این پژوهش حاصل شد آن‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تحقق اهداف تربیتی، فعالیت مطابق با قرآن را آغاز کردند. ایشان از تمامی ظرفیت‌های آیات الهی - قرآنی و از همه برنامه‌ها و سازوکارهای فرهنگی بهره‌جستند تا نمونه‌ای کامل از شهری فرهنگی را به جهانیان عرضه کنند. بی‌شک در سرمطلع این برنامه اصلاحی و انقلابی، سازوکارهای اجتماعی هم‌چون وضع قوانین اجتماعی مطابق آموزه‌های قرآنی، برنامه‌ریزی اجتماعی سازگار با ارزش‌های اسلامی و تولید هنجارهای جدید و ترسیم نقش‌های اجتماعی مطابق با فرهنگ نوخاسته اسلامی، تأسیس نهادهای جدید فرهنگی با کارکردهای غنی و در بسیاری از موارد چندمنظوره تعریف نمادهای منزلتی، جذب اقلیت‌های دینی و تغییر روابط میان گروه‌های اجتماعی قومی و

۱. المیزان، ج ۵، ص ۹۸.

نژادی قرار داشت. دستامد ده سال حیات فرهنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه گیر شدن فرهنگ اسلامی بود هرچند تداومش، به برنامه ریزی مداوم فعالان سیاسی و فرهنگی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیاز داشت.



## منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد، *الإصابة في تمييز الصحابة*، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۲. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ص ۱۱۲، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو، *تفسير القرآن العظيم* (معروف به تفسير ابن كثير)، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۴. ابن كلبی، هشام، *الاصنام*، تحقيق احمد زكي باشا، قاهره: افست تهران (همراه با ترجمه)، نشر نو، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۵. ابن هشام، عبد الملك، *السيرة النبوية*، ترجمه: سيد هاشم رسولي، تهران: انتشارات كتابچی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۶. ابن منظور، حنبل، *لسان العرب*، بيروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۷. الشافعي، علي بن الحسن (معروف به ابن عساكر)، *تاريخ مدينة دمشق*، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۸. النميري، عمر بن شبة، *تاريخ المدينة المنورة*، قم: دارالفكر، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۹. بلاذري، احمد بن يحيى، *فتوح البلدان*، بيروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸ م.
۱۰. راغب اصفهاني، *مفردات ألفاظ القرآن*، ج ۱، ص ۲۶۶، دمشق - بيروت: دارالقلم - الدار الشامية، ۴۱۲ هـ.ش.
۱۱. طباطبائي، سيد محمد حسين، *الميزان في تفسير القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۱۲. طبرسي، فضل بن حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تحقيق: با مقدمه محمد جواد بلاغي، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ هـ.ش.



۱۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ هـ.ق.
۱۴. عجاج کرمی، احمد، *الإدارة في عصر الرسول*، قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۱۵. عبدالسلام مقبل مجبری، *إذهاب الحزن وشفاء الصدر والسقيم*، قاهره: دارالإیمان، بی تا.
۱۶. خرکوشی نیشابوری، ابوسعید، *شرف المصطفى*، مکه: دارالبشائرالإسلامیة، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۱۷. لوئیس کوزر، *نظریه های بنیادی جامعه شناختی*، ص ۱۰۷، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
۱۸. مقریزی، تقی الدین، *إمتناع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۱۹. محمد منصور و دیگران، *لغت نامه روان شناسی*، ص ۱۰۲، تهران، بی جا، ۱۳۵۶ هـ.ش.
۲۰. محسنی، منوچهر، *جامعه شناسی عمومی*، تهران: کتاب خانه طهوری، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۲۷۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۲۲. قرائی مقدم، امان الله، *مبانی جامعه شناسی*، ص ۲۰۰، تهران، ابجد، ۱۳۷۴.
۲۳. بروس کوئن، *مبانی جامعه شناسی*، ص ۵۹، توسلی، قم: مهر، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۲۴. ولایتی، علی اکبر، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، ص ۱۹، قم: نشر معارف، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۲۵. شیخ صدوق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، ص ۳۰، قم: دارالرضی، ۱۴۰۶ هـ.ق. ۱۵۱
۲۶. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۷. واحدی نیشابوری، *أسباب النزول*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ هـ.ق.

## مقاله

۱. جعفریان، رسول، «مقاله حکمت انتخاب محل مسجدالنبی صلی الله علیه و آله در مدینه»، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۷.
۲. منتظرالقائم، اصغر، مجموعه مقالات همایش بین المللی سیره شناختی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله.

